

بررسی تطبیقی «آیه وسیله» از نظر منابع تفسیری فریقین*

□ محمدیونس عارفی**

□ محمدعلی نجیبی***

چکیده

از جمله آیاتی که در آن مؤمنان به تقوا پیشگی، استفاده از «وسیله» و تلاش برای رسیدن به فلاح و رستگاری دستور می‌دهد، آیه ۳۵ سوره مائده می‌باشد. مفسران فریقین در فهم معنای وسیله نظرات مختلفی بیان کرده‌اند. برای این که مشخص شود مقصود از «ابتغاء وسیله» در قرآن چیست؟ به بررسی «آیه ابتغوا الیه الوسیله» به صورت تطبیقی، در تفاسیر شیعه و سنی پرداخته شده است. حاصل این بررسی تطبیقی این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام، امامان معصوم علیهم السلام، شناخت امام و تبعیت از او، اهل بیت پیامبر علیهم السلام، قرآن کریم، عبادات دینی، مکارم اخلاق، اعتقادات و باورهای حق، عبودیت و بندگی خدا، پذیرش هدایت الهی و حرکت در مسیر آن، از مصادیق اختصاصی واژه «وسیله» در منابع تفسیری شیعه شمرده شده است. در منابع تفسیری اهل سنت نیز، امر به معروف و نهی از منکر، ادای واجبات قلبی و بدنی، برآوردن حاجت نیازمندان، نصایح و خیرخواهی برای عباد، تحصیل رضایت خداوند، دعا و مناجات با خداوند، اخلاص در نیت، صداقت و ... از مصادیق اختصاصی، «وسیله» بیان شده است. در برخی مصادیق دیدگاه مفسران شیعه و اهل

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۴/۳ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۳۰.

** . طلبه سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه (arffi1727@gmail.com).

***. فارغ التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه (najibalim57@gmail.com).

سنت مشترک است. ایمان به خدا و پیامبر ﷺ، اطاعت از دستور و اوامر پروردگار، ترک گناه و معاصی، ثواب و اجر معنوی، جهاد در راه خدا، انفاق و صدقه در راه خدا، صله رحم و پیوند باخویشاوندان نسبی، محبت و احسان به بندگان خدا و در نهایت درجه‌ای از درجات بهشت، از مصادیق مشترک مفهوم «وسيله» در منابع شیعه و اهل سنت ذکر شده است. مفسران اهل سنت بیشتر به معنای ظاهری آیه توجه داشته‌اند، در صورتی که مفسران شیعه علاوه به مفهوم ظاهری به مصادق‌ها و مفهوم باطنی آیه نیز نظر داشته‌اند و برخی از مصادیق مفهوم باطنی آیه را بیان کرده‌اند. کلیدواژه‌ها: تطبیقی، تفسیر، فریقن، وسیله، ابتغاء، آیه ۳۵ سوره مائده.

مقدمه

همه انسان‌ها به دنبال رسیدن به مقصود خود هستند، برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند و در این جهت تفاوت میان انسان‌های مومن و کافر نیست. تفاوت میان انسان‌های با ایمان و بی‌ایمان در نوع هدف و استفاده از ابزاری است که در جهت رسیدن به مقصود، از آن استفاده می‌شود. هر کدام از انسان‌ها براساس باورها و اعتقادشان، مقصود و هدفی در زندگی دارند و برای رسیدن به آن راهی را انتخاب می‌کنند، همچنین هر کدام براساس باورشان از ابزارهای لازم برای رسیدن به هدف بهره می‌گیرند. تفاوت اساسی بین انسان‌های باورمند به خدا و افراد بی‌اعتقاد به خداوند، در این است که انسان‌های منکر خدا، تنها هدف دنیایی دارند و برای نیل به آن‌ها تلاش می‌کنند. در حالی که انسان‌های معتقد به خداوند، علاوه بر اهدافی که در زندگی دنیایی برای خودشان دارند، اهداف اخروی نیز دارند و برای رسیدن به آن اهداف نیز تلاش می‌کنند. در قرآن کریم نیز برای رسیدن به مقصود و هدف زندگی راهکار و ابزاری توصیه شده است. در آیه ۳۵ سوره مائده آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و (برای تقرب)

به سوی او وسیله بجوئید، و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

براساس این آیه شریفه، رسیدن به مقصود که در این آیه از آن به فلاح و رستگاری یاد شده

است، نیامند به دو چیز است: نخست انتخاب «وسیله» و در گام بعدی تلاش در جهت نیل به مقصود است. برای روشن شدن دیدگاه مفسران مسلمان در این که مقصود از «وسیله» چیست؟ این تحقیق در صدد است تا دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و از تفاسیری که در نرم افزار جامع التفاسیر است، استفاده می‌شود..

الف) مفهوم شناسی

طبق روش معمول در هر پژوهشی ابتدا واژه‌ها کلیدی بحث و کلمات مرتبط با آن‌ها، مفهوم شناسی می‌شود، در این تحقیق نیز، قبل از ورود به مباحث اصلی، به بررسی چند واژه پرداخته می‌شود:

یک) تفسیر

واژه‌ی «تفسیر» از ماده‌ی «فسر» به معنای بیان کردن، شرح دادن، توضیح دادن و کشف کردن مطلبی می‌باشد (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۸/ ۳۱۱) در قاموس آمده است: «فَسَّرَ الشَّيْءَ بَيَّنَّهُ وَ أَوْضَحَهُ»؛ «فسر» به معنای تبیین و ایضاح است. و «تفسیر» نیز به همان معناست منتهی همراه با مبالغه است (قرشی، ۱۴۱۲: ۵/ ۱۷۵)، تفسیر قرآن نیز به این معنی است که فرد مفسر، مراد خداوند را بیان و روشن می‌کند. مفسرین نیز واژه «تفسیر» را به همان معنای لغوی آن به کار برده‌اند. در تفسیر «اطیب البیان» آمده است: «تفسیر در لغت به معنای کشف و پرده برداشتن از چیزی پوشیده و در اصطلاح بیان مراد و مقصود خداوند از آیه است» (طیب، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۰) در بیان دیگری، آمده است: «تفسیر در لغت، روشن کردن و هویدا ساختن و در اصطلاح عبارت است از کشف وجوه و شرح معانی قرآن و واضح گردانیدن اخبار و قصص، باز نمودن اسباب نزول آیات و سور و آن چه مربوط به آن است (کاشفی سبزواری، بی‌تا: ۲۲۲) بنابراین، واژه تفسیر در لغت و اصطلاح مفسرین، به معنای شرح و بیان معانی واژه‌ها و آیات

قرآن و بیان مقصود خداوند متعال از آیات است. همچنین توضیح اخبار و قصص قرآن، شان نزول و اسباب آیات قرآن است.

دو) تفسیر تطبیقی

تفسیر تطبیقی به معنای بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره مفاهیم قرآنی است. مراد از این تطبیق، مقایسه بین دو مکتب از میان مکاتب و یا روش‌های گوناگون تفسیری مانند روش ادبی، روایی، کلامی و ... نیست، بلکه بررسی تطبیقی تفسیر آیات، فارغ از روش‌ها و مکاتب گوناگون، آن، تنها براساس دو منظر شیعی و اهل سنت مورد نظر است (محمدی، ۱۳۶۳: ۲/ ۵۴۳) در این تحقیق بررسی مقایسه‌ای بین دیدگاه شیعه و اهل سنت در باره‌ی مصادیق واژه‌ی «وسیله» در آیه شریفه‌ی، ۳۵ سوره مبارکه مائده، مورد نظر است.

سه) فریقین

واژه‌ی «فریقین» به معنای دو گروه و دو فرقه است. در منابع دینی مسلمانان به طور معمول برای اشاره به دو مذهب اصلی دین اسلام یعنی شیعه و اهل سنت از واژه «فریقین» استفاده می‌شود.

چهار) ابتغاء

واژه‌ی «ابتغاء» از ماده «بغی» است و بغی به معنای اراده کردن و قصد نمودن و گذشتن از میانه روی است. فرق نمی‌کند که در عمل تجاوزی صورت بگیرد یا در عمل از میانه روی تجاوز نکند. پس نفس اراده تجاوز از میانه و قصد نمودن عبور از میانه روی، «بغی» محسوب می‌شود. تجاوز و بغی گاهی در کمیت و مقدار و ارزش مادی است و گاهی در وصف و کیفیت چیزی، تعبیر و بیان می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۶) گفته شده تجاوز گاهی پسندیده است و آن تجاوز از عدالت به احسان و یا از واجب به مستحب است. گاه هم مذموم است که عبارت از تجاوز از حق به سوی باطل و یا از حق به شک و شبهه رفتن است (همان)

اما واژه‌ی «ابتغاء» به معنای کوشش در طلب و خواستن است. هر گاه طلب و خواستن چیزی پسندیده باشد، تلاش و کوشش در خواستن آن نیز پسندیده خواهد بود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۷)، در کتاب محیط اللغه نیز واژه‌ی «ابتغا» به همین معنا تفسیر شده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۵) در قرآن نیز واژه‌ی «ابتغا» به همین مفهوم به کار رفته است. مصطفوی در مورد این واژه، می‌گوید: «اصل این لغت همان طلب شدید و اراده اکید است و در جواب افرادی که گفته‌اند بغی به معنای ظلم است، می‌گوید: به نظر می‌رسد که این لغت به معنای فساد و ظلم نیست بلکه حقیقت آن طلب شدید است. منتهی این معنا با قراین بر مفاهیم مختلف (به اقتضای مقام و متناسب با موارد) منطبق می‌گردد» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۳۳۶). بنابراین، لغت «ابتغا» به معنای طلب همراه با تلاش و کوشش در آن است و به عبارت دیگر طلب شدید و اکید است و استعمال آن در جملات و ترکیب‌های متفاوت، معنای متفاوتی را می‌رساند.

پنج) وسیله

واژه‌ی «وسيلة» از ماده‌ی «وسل» گرفته شده است و در لغت به هر چیزی که انسان را به چیزی و یا کسی نزدیک کند، وسیله گفته می‌شود جمع آن «وسائل و وسیل» است. از باب مثال گفته می‌شود: «تَوَسَّلَ إِلَى رَبِّهِ بِوَسِيلَةٍ» به معنای آن است که: «تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ»؛ به واسطه‌ی عملی به سوی خداوند تقرب جست» (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۶۶۰) ابن منظور نیز گفته است: «وسيلة آن چیزی است که انسان را به چیزی دیگر نزدیک می‌کند. به عبارت دیگر: وسیله چیزی است که انسان را به چیزی می‌رساند و به آن نزدیک می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷/۲۱۸) در مفردات راغب آمده است: «وسيلة، رسیدن به چیزی با میل و رغبت به آن است. به دلیل همین قید اشتیاق و میل، در مفهوم «وسيلة»؛ مفهوم «وسيلة» اخص از «وصيلة» است؛ چرا که متضمن مفهوم رغبت و میل است در حالی که «وصيلة» به معنای مطلق رسیدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: حقیقت وسیله به سوی خدای تعالی همان رعایت کردن راه او با علم و عبادت و نیز داشتن مکارم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۱۲۸). واژه‌ی «وسيلة» هم به معنای

مصدر آمده است که تقرب به خداوند است و هم به صورت اسم مصدر یعنی آن چه با آن تقرب حاصل می‌شود، استعمال شده است. به نظر می‌رسد در آیه «وسیله» به معنای مصدری به کار رفته است. یعنی ای اهل ایمان از خدا بترسید و به او تقرب جوید (قرشی، ۱۴۱۲/۷: ۲۱۸) مصطفوی در التحقیق گفته است: اصل در این ماده، (وسیله)، همان رغبت در تقرب است. از مصادیق وسیله، جایگاه و منزلت، درجه و رتبه، ارتباط، قربت و عمل و رفتار است. در این واژه دو قید مادی یا معنوی و گاهی میل و رغبت طبیعی و یا ارادی لحاظ شده است. وسیله ارادی مانند انبیا، ائمه، اولیای مقرب الهی و وسیله طبیعی؛ مثل درجات ایمان، مقامات معرفتی، صفات روحانی و اعمال خاص الهی است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳/۱۰۹) ابن منظور در بیان مصادیق وسیله گفته است: «جایگاه در نزد پادشاه، درجه قربت و نیز رسیدن شخص به خدا با انجام اعمالی که موجب تقرب است، از مصادیق وسیله است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۷۴) این فارس در مقایس اللغه گفته است: «واژه وسیله به دو معنای: طلب و رغبت و معنای دیگر سرقت و دزدی، به کار رفته است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/۱۱۰) ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «وسیله، چیزی که انسان را، به دیگری نزدیک می‌کند و در اصل لغت به معنای هر چیزی است که انسان را به شئی دیگر می‌رساند و به آن نزدیک می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۷۲۵) در بیان تفاوت میان واژه «وسیله» و «ذریعه» آمده است: «وسیله، در نزد اهل لغت، به معنای تقرب و نزدیک شدن است ولی «ذریعه» به معنای راهی رسیدن، به چیزی است» (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۹۷) در برخی از منابع تفسیری آمده است که: «وسیله بر وزن فعلیه به معنای آن چیزی که به واسطه‌ی آن انسان به خدا نزدیک می‌شود و به خداوند متعال اتصال و ارتباط پیدا می‌کند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/۲۱۴) وسیله آن چیزی است که به واسطه آن به دیگری نزدیک می‌شود (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴/۲۶۷)، برخی گفته‌اند: «وسیله» به معنای محبت است: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، به معنای «تَحَبُّوا إِلَى اللَّهِ»، است. معنای آیه این است که ای مؤمنان کاری انجام دهید که محبوب خدا شوید» (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۴/۳۰۷)، برخی مفسرین اهل سنت نیز واژه «وسیله» به محبت تفسیر کرده‌اند: «الثانی: المحبّة، يقول: تَحَبُّوا

إلی الله» (زحیلی، ۱۴۲۲: ۵۴۴/۱)، طبق این معنا وسیله به معنای محبت است. مفهوم جمله این است که محبت خدا را طلب نمایید و کاری انجام دهید که محبت خداوند را به سوی شما جلب کند برخی از مفسرین گفته‌اند: «وسیله دستاویز و آن چیزی است که، برای تحصیل مقصود به آن متوسل می‌شوند و مقصود در آیه شریفه، تقرب به خدای تعالی است» (میرزاخسروانی، ۱۳۹۰: ۳۸۶/۲)، در بیان دیگری از برخی مفسرین آمده است: «وسیله هر چیزی است که انسان برای رسیدن به مقصود، از آن استفاده می‌کند»، (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۲/۵۸۵) با توجه به آن چه بیان گردید، می‌توان گفت: وسیله آن چیزی است که برای تقرب به دیگری و یا برای رسیدن به مقصود، به آن متوسل می‌شوند و از آن جهت رسیدن به هدف استفاده می‌شود. بنا بر آن چه گفته شد: در اصطلاح قرآنی، وسیله عنوان عامی است که مصادیق زیادی می‌تواند داشته باشد.

شش) مرجع ضمیر و متعلق (الیه) در آیه وسیله

مرجع ضمیر «الیه» به اتفاق نظر مفسران خداوند است. در مورد متعلق «الیه» در میان مفسران دیدگاه‌های متخلفی مطرح شده که مهم‌ترین آن‌ها سه نظر است. بیشتر تفاسیر «الیه» را تنها به وسیله نسبت داده‌اند و گفته‌اند: متعلق «الیه» وسیله است (جرجانی، ۱۳۶۲: ۸۸/۲)، دسته دومی از مفسران «الیه» را متعلق به «وابتغوا» و یا «وسیله» دانسته‌اند (عبرکی، ۱۴۱۹: ۱/۱۲۶) دسته سوم از مفسران سه وجه برای متعلق «الیه» در نظر گرفته‌اند: متعلق به فعل قبل که همان «وابتغوا»، متعلق به «وسیله» و وجه سوم متعلق به فعل محذوف (کاننا الیه) (سمین، ۱۴۱۴: ۲/۵۱۸). آلوسی «الیه» را متعلق به «وسیله» می‌داند و دو دیدگاه دیگر را از اقوال غیر مشهور می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۲۹۴). براساس این جمع بندی میان مفسران شیعه و سنی در مورد متعلق واژه «الیه» چند دیدگاه وجود دارد و بیشترین نظر مربوط به گروه اول است که «الیه» را متعلق به «وسیله» می‌دانند.

الف) مصادیق اختصاصی «وسيله» از نظر شيعه

تعداد ديگر از مصاديق واژه «وسيله» تنها در منابع تفسيری و حدیثی شيعه آمده است. تنها مفسران شيعه آن امور را از مصادیق وسیله می‌دانند و مفسران اهل سنت به آن اشاره نکرده‌اند.

یک) پیامبر اکرم ﷺ

برخی از مفسران گفته‌اند که از روایاتی که در ذیل آمده وارد شده، استفاده می‌شود که که «وسيله عبارت از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار ﷺ هستند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱/۱۱۳). طبرسی از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود: «ای مردم هر گاه خواستید چیزی را از خدا بخواهید مرا، در حضور پروردگار واسطه و وسیله قرار دهید (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/۲۰۷) طبق این دیدگاه منظور از وسیله در آیه شریفه پیامبر اکرم ﷺ است

دو) امام علی ﷺ

بر اساس برخی روایاتی که در تفسیر آیه شریفه آمده است و برخی مفسرین نیز به آن اشاره کرده‌اند، یکی از مصادیق وسیله امیر مؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ است. در حدیثی از امام علی ﷺ در تفسیر جمله «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است: «أَنَا وَسِيلَتُهُ» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۲۹۷)؛ من وسیله خدا هستم. در تفسیر برهان نیز به همین دیدگاه اشاره شده است (برهان فی تفسیر: ۲/۲۹۲) در تعبیر دیگری آمده است: «وَأَنَا وَسِيلَتُهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أُمَّتِهِ»، (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲/۳۰۶)؛ من وسیله خدا بین خدا و بین امت پیامبر هستم. براساس این حدیث، مراد از وسیله در آیه شریفه، امام علی بن ابی طالب ﷺ است. انس بن مالک از پیغمبر ﷺ روایت کرده که «وسيله» حجابی است میان بنده و خدا یعنی رحمت و ثواب او و آن علی بن ابی طالب ﷺ است وقتی بنده باو توسّل کند حجاب را از میان بردارند (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۴/۳۰۸) ابن شهر آشوب، در ذیل آیه شریفه، روایتی از امام علی ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «وسيله من و فرزندانم می‌باشیم هر گاه شخصی از خداوند چیزی درخواست کند، ما

را واسطه و وسیله‌ی درخواست خود در درگاه ربوبی قرار دهد تا خداوند حاجات او را بر آورد» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/۲۰۷). بنابراین علی بن ابی طالب علیه السلام وسیله تقرب به خداوند می باشد.

سه) امام و پیشوا

یکی از مصادیق وسیله از در منابع حدیثی و تفسیری شیعه، «امام معصوم» است. در تفسیر آیه شریفه و در ذیل جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)، گفته شده است: «تقربوا الیه بالإمام» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۶۲۷)؛ به وسیله امام به خدا تقرب جوید. همچنین حدیثی از امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «امامانی از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند ... آن‌ها وسیله‌ای تقرب به سوی خدا هستند»، (کنز الدقایق، ۱۴۱۵: ۴/۱۰۴) در تفسیر صافی نیز عین همین روایت آمده است: (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۳۳) همچنین در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه شریفه نیز همین تعبیر آمده است: «تقربوا الیه بالإمام»، (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۸) بنابراین، یکی از مصادیق واژه «وسيلة» امام معصوم علیه السلام است.

در برخی از تفاسیر واژه «ائمه» به کار رفته است. در حدیث نبوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «الْأئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام ... هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ» (مشهدی، ۱۳۶۸: ۴/۱۰۴)، همین عبارت (ائمه)، در تفسیر صافی نیز آمده است (فیض کاشانی، ۱ در این روایت به جای واژه «امام» کلمه «ائمه» که جمع امام است به کار رفته است و امامان معصوم علیهم السلام به عنوان وسیله تقرب به خداوند متعال معرفی شده‌اند. برخی از مفسرین شیعه گفته است: «مقصود از «وسيلة» که با الف و لام معرفه شده است، کسی باید باشد که بعد از ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله، توبه را قبول کند و قبولی توبه به دست او باشد و آن شخص نیست مگر امام معصوم که به دعوت باطنی دعوت می کند. از این رو ائمه هدی علیهم السلام «وسيلة» را به خودشان تفسیر کرده‌اند (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲: ۴/۳۲۶) بنابراین امام معصوم علیه السلام یکی از مصادیق مهم وسیله است در تفسیر لاهیجی نیز گفته است: «برای تقرب به خداوند به وسیله متوسل شوند که عبارت از امام معصوم علیه السلام است» (لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۶۵۰)، براساس این دیدگاه با استناد به این روایت نبوی، وسیله عبارت از ائمه معصومین علیهم السلام است.

چهار) شناخت و تبعیت از امام

در برخی از تفاسیر شیعه، معرفت و شناخت امام و تبعیت و فرمان برداری از او، به عنوان یکی از مصادیق وسیله معرفی شده است. بعضی از مفسرین در تفسیر آیه ۳۵ سوره مائده چنین گفته‌اند: «وسیله شناخت امام و تبعیت از او می‌باشد»، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۳۳) «همچنین در کنزالدقایق نیز همین دیدگاه اشاره شده است: «و هو معرفة الإمام و اتباعه»، (نیشابوری، ۱۳۷۳: ۴/۱۰۴)، شناخت امام و تبعیت از او وسیله تقرب به خداوند است. طبق این دیدگاه، شناخت امام معصوم علیه السلام و پیروی از او و گام نهادن در جای قدم‌های او نیز مشمول مفهوم وسیله است. زیرا شناخت امام و تبعیت و دنبال روی از او موجب نزدیکی به ساحت قدس پرودگار می‌شود.

پنج) اهل بیت پیامبر

یکی از مصادیق واژه «وسیله» که در برخی از روایات به آن اشاره شده است، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در روایتی از یکی از امامان معصوم نقل شده که فرمود: «نحن الوسيلة إلى الله»؛ ما اهل بیت وسیله تقرب به سوی خدا هستیم (کاشانی، ۱۴۱۰: ۱/۲۹۰) ابن شهر آشوب در تفسیر جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)، در روایتی به نقل از امیر المؤمنین می‌گوید: که امام علیه السلام فرمود: «وسیله من و فرزندانم می‌باشیم. هر گاه شخصی از خداوند چیزی درخواست کند، ما را واسطه و وسیله در خواست خود، به درگاه ربوبی قرار دهد، تا خداوند حاجات او بر آورده سازد»، (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/۲۰۶) طبق این دیدگاه در میان مفسران شیعه یکی از مصادیق وسیله برای تقرب به سوی خدای متعال، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. اهل بیت علیهم السلام همان وسیله‌ی تقرب به خداوند هستند «هم العروة الوثقی و الوسيلة الى الله»، آنان وسیله تقرب و نزدیکی به خداوند هستند. موضوع توسل به اهل بیت هم در قرآن و هم در روایات آمده است. در آیات ۶۴ سوره نساء و ۹۷ یوسف و ۱۱۴ سوره توبه آمده است. بنابراین نیز یکی از مصادیق وسیله اهل بیت علیهم السلام همان، وسیله تقرب به خداوند هستند.

برخی از مفسران شیعه گفته‌اند: «با توجه به این که، دستور به اتخاذ وسیله، بعد از امر به تقوا صورت گرفته است، منظور از «وسيله» تشبیه به راه‌های غیر متعارف در بر خورد با مشکلات است. چرا که طرق متعارف، در مفهوم تقوا که در ابتدای آیه به آن امر شده است نهفته است و تقوا شامل آن‌ها می‌شود. بنا براین وسیله در این آیه، به معنای «توسل» به مقربان درگاه خداوند است. معنای این است: که برای خودتان وسیله تقرب به خدا پیدا کنید در این جا منظور از وسیله خاندان نبوت است. اهل بیت پیامبر بهترین وسیله تقرب به خداوند هستند (تفنی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲) بنابراین اهل بیت پیامبر اکرم علیهم‌السلام از مصادیق وسیله و واسطه تقرب انسان به خداوند می‌گردند. جابر این عبدالله انصاری در به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «وَنَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ»، (مجلسی: ۲۵/۲۳)، پیامبر فرمود: ما اهل بیت وسیله تقرب به خداوند هستیم. در حدیث دیگری از فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز آمده است: «فَنَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ»، (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۱۱۴)؛ حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در قسمت از خطبه معروف خود فرمود: ما (اهل بیت پیامبر) وسیله خداوند در میان مخلوقات خداوند هستیم. بنابراین یکی از مصادیق مهم «وسيله الى الله» اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند. توسل به اهل بیت مایه تقرب انسان به خداوند می‌باشد. با توجه داشت که منظور از توسل به پیامبر، امام و یا اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این نیست که شخص، از پیامبر یا امام و اهل بیت پیامبر، چیزی به طور مستقل در خواست کند و از آن‌ها بخواهد تا رفع مشکل نمایند بلکه فرد باید خود را در خط آنان قرار دهد و با برنامه‌های آن‌ها هماهنگ شود و خداوند را به مقام و جایگاه آن‌ها بخواند، تا اجازه‌ی شفاعت به آن‌ها بدهد.

شش) قرآن کریم

شیعه، یکی از مصادیق «وسيله»، قرآن کریم است. برخی مفسرین شیعه در ذیل آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، (مائده: ۳۶)؛ قرآن یکی از مصادیق اتم «وسيله» است. توسل به قرآن بداعی قرب خداوند، باعث تقرب به خداوند پروردگار و «ابتغاء» به «وسيله الى الله»،

است (طیب، ۱۳۷۸: ۴/ ۳۵۷) در یکی از دعاهاى صحیفه سجادیه امام سجاده علیه السلام نیز آمده است: «وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَّنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَ سَلَمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ»، (علی بن الحسین علیه السلام / ۱۷۸)؛ امام سجاده علیه السلام عرض می کند، خدایا قرآن را برای ما وسیله ی رسیدن به شریف ترین منزل و جایگاه کرامت و بزرگی و نردبانی برای عروج به محل و جایگاه سلامت، قرار بده.

هفت) عبادات دینی

از نظر مفسران شیعه، عبادات دینی نیز از مصادیق «وسیله» است. برخی از مفسران شیعه در تفسیر آیه شریفه: «(وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)» (مائده: ۳۵)، گفته است: «عبادات دینی مانند نماز، روزه، زکات حج بیت الله الحرام، وسیله تقرب به خداوند و از مصادیق وسیله در آیه شریفه است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳/ ۹۶۸)، براساس این تفسیر عبادات دینی مانند نماز، روزه، حج و زکات، از مصادیق «وسیله الی الله» در آیه هستند و باعث تقرب و نزدیکی به خداوند می گردد. در مورد نماز در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که فرمود: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»، (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۶۵)، نماز باعث تقرب هر انسان با ایمان به خداوند است. بقیه عبادات نیز هر کدام به نحوی به تقرب انسان به خداوند نقش دارد.

هشت) مکارم اخلاق

اخلاق به عنوان بخشی از معارف دین نقشی مهمی در سعادت انسان ها دارد. بخشی از رسالت انبیا، اصلاح اخلاق مردم است. اخلاق نیکو از ارزش های مهم دینی محسوب می شود. بخشی از رفتارهای اخلاق یک سطح بالاتر از اخلاق نیکو هستند که از آن ها به مکارم اخلاق یاد می شود. در تفسیر آیه شریفه و در ذیل جمله «(وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)» (مائده: ۳۵)، در برخی تفاسیر گفته شده است که مراد از وسیله در این آیه مکارم اخلاق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۵۳۵). همچنین برخی از مفسران دیگر شیعه نیز به همین دیدگاه اشاره کرده اند که یکی از مصادیق «وسیله»، «اخلاق فاضله» است (طیب، ۱۳۷۸: ۴/ ۳۵۷). اخلاق نیکو، چه در حد

«حَسَن خَلْق» و چه در مرحله «مکارم اخلاق»، یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و از نشانه‌های یک انسان شایسته است. آثار فراوان در زندگی دنیا و آخرت انسان به دنبال دارد

نه) اعتقادات و باورهای صحیح

برخی از مفسرین شیعه در بیان مصادیق «وسيله» در آیه شریفه، گفته‌اند: یکی از مصادیق وسیله، «تمام عقائد حقه»، است (طیب، ۱۳۷۸: ۴/۳۵۷)، براساس این دیدگاه تمام اعتقادات صحیح اسلامی وسیله تقرب انسان به خداوند است. کسانی که به این عقاید به صورت منطقی باور دارند، در حقیقت به یک وسیله مطمئنی برای قرب به خداوند، تمسک جسته‌اند. باورهای مانند توحید، نبوت، امامت، معاد و عدل که از بنیادی‌ترین باورهای دینی است، می‌توانند وسیله تقرب انسان به خدا باشد. اعتقادات شکل دهنده‌ی افکار و اندیشه‌های انسان و جهت دهنده‌ی اعمال و رفتار افراد است. بنابراین اعتقادات صحیح می‌تواند وسیله تقرب انسان به خدا و از مصادیق «وسيله» در آیه شریفه ۳۵ سوره مائده باشد.

ده) عبودیت و بندگی خدا

برخی از مفسران شیعه معتقدند که یکی از مصادیق وسیله در آیه شریفه، «عبودیت و بندگی است. مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: «چون «وسيله» نوعی «توصل» است و توصل در مورد خداوند که، منزله از مکان و جسمانیت است، توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش اتصال برقرار کند و از آن جایی که بین بنده و پروردگارش، هیچ رابطه‌ای به جز ذلت عبودیت برقرار نیست، به صورت قهری وسیله عبارت است از این که حقیقت عبودیت را، در خود تحقق بخشد و به درگاه پروردگار وجه فقر و مسکنت به خود بگیرد. پس وسیله در آیه شریفه همین رابطه است. علم و عمل از لوازم معنای وسیله و از ادوات رساندن خود به حقیقت عبودیت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۵۳۵) بنابراین براساس این تفسیر از واژه «وسيله»، معنای آیه این است که خداوند به بندگان دستور داده است، که برای تقرب به خداوند، سعی کنند، رابطه عبودیت را بین خود و پروردگارشان تقویت نمایند.

یازده) قدر جامع همه معانی

واژه «وسیله» در اصل به معنای تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌گردد می‌باشد. بنابراین، وسیله در آیه فوق معنای بسیار وسیعی دارد و هر کاری و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود، شامل می‌شود. که مهم‌ترین آن‌ها ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جهاد در راه خدا، عباداتی همچون نماز، زکات و روزه و زیارت خانه خدا. همچنین صله رحم، انفاق در راه خدا اعم از انفاق‌های پنهانی و آشکار و هر کار خیری دیگری مشمول آیه شریفه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۴) همچنین شفاعت پیامبران و امامان علیهم السلام و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگار می‌گردد، در مفهوم وسیع توسل داخل است. زیرا همه این امور موجب نزدیکی به ساحت و قدس پروردگار می‌گردد. حتی سوگند دادن خداوند، به مقام پیامبران و امامان معصوم و صالحان، جزء این مفهوم وسیع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۳۶۷)، طبق این نظر وسیله به معنای تقرب به خداست که یک مفهوم وسیعی است و مصادیق متعددی دارد، شامل بسیاری مصادیقی که در منابع تفسیری و روایی ذکر شده می‌شود. حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آنها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد جزء این مفهوم وسیع است. چرا که گفتیم وسیله در معنای لغوی خود هر چیزی است که سبب تقرب می‌گردد (همان: ۴/۳۶۷) مفهوم وسیله در این فرض وسیع است.

از سیاق عبارت برمی‌آید که بطور مطلق هر گونه وسیله حقیقی که ما را به خدا و اسماء حسنا و از علم و قدرت و محبت و جمال و غیر آن برساند وسیله خواهد بود. نماز و روزه و حج و زکات و صدقه و قربانی هم وسیله‌اند. همچنین تألیف کتب و ایراد خطابه و فرا خواندن مردم به سوی خدا از جمله وسایل، می‌باشد (مترجمان، ۱۳۷۷: ۲/۳۱۹).

توجه به این نکته ضرورت دارد که هرگز منظور این نیست که چیزی از شخص پیامبر یا امام به صورت مستقل تقاضا کنند، بلکه مقصود این است که با اعمال صالح و با پیروی از پیامبر و امام و سوگند دادن خداوند به مقام و مکتب آنان- که نوعی احترام به آنان است- از

بررسی تطبیقی «آیه وسیله» از نظر منابع تفسیری فریقین ۷۳

خداوند چیزی را بخواهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۷/۴). براساس این دیدگاه وسیله به معنای تقرب به سوی خداست و این مفهوم وسیع شامل مصادیق زیادی می‌شود. تفسیر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین، ائمه علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام از باب بیان اتم مصادیق وسیله است.

دوازده) پذیرش هدایت

براساس دیدگاه برخی از مفسران شیعه، «وسيله» در آیه شریفه کنایه از راه‌هایی است که انسان بر اساس هدایت الهی در آن مسیر گام بر می‌دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸/۱۵۷). بنابراین، پذیرش هدایت الهی و حرکت کردن بر صراط مستقیم، از مصادیق وسیله، در آیه شریفه است. بدون شک پذیرش هدایت و باقی ماندن در مسیر آن و گام برداشتن در همان طریق، باعث تقرب انسان به خداوند است.

ب) مصادیق اختصاصی «وسيله» از نظر اهل سنت

برخی مصادیق واژه «وسيله» مخصوص اهل سنت است و تنها در منابع تفسیری و حدیثی آن‌ها برای واژه وسیله ذکر شده است و در تفاسیر و کتاب‌های روایی شیعه نیامده است.

یک) برآوردن حاجات نیازمندان

مصادیق دیگری که در منابع اهل سنت، برای واژه «وسيله» بیان شده است، برآوردن حاجات و نیازهای افراد عاجز و ناتوان است. در تفسیر جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است: «و قضاء حوائج العاجزين»، برآوردن نیازهای افراد ناتوان، را وسیله تقرب به سوی خداوند قرار دهید (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۳۲۷/۶) برخی از مفسران مدعی‌اند: کلمه وسیله بر حاجت نیز اطلاق می‌گردد و سپس به گفته‌ی یک شاعر عرب استناد می‌کند: «إِنَّ الرَّجَالَ لَهُمْ إِلَيْكَ وَسِيلَةٌ» (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۳۲۷/۶) ادای حاجت و رفع نیاز افراد عاجز «وسيله» تقرب به خداوند می‌باشد. علاوه بر آن بر خود حاجت نیز وسیله به کار می‌رود. در این فرض «وسيله» به معنای حاجت باشد، معنای آیه این می‌شود: «حاجات و نیازهای خود

تان را از خداوند طلب نمایید نه از غیر خدا، زیرا کلیدهای آسمان و زمین به دست خداوند متعال است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۸۹). بنابراین وسیله یا به معنای حاجت است و یا این که بر آوردن احتیاج افراد ناتوان از مصادیق وسیله است.

دو) امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، مصداق دیگری برای کلمه «وسیله» بیان شده است. در تفسیر جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است، که یکی از اموری که از مصادیق وسیله است: «امر به معروف و نهی از منکر است» (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/ ۳۲۷) معنای آیه این است که به واسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به خداوند نزدیک شوید.

سه) ادای واجبات قلبی

برخی از مفسرین اهل سنت گفته‌اند که مراد از وسیله در این آیه ادای واجبات است. در ذیل آیه جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است: منظور از وسیله نزدیکی به خدا و محبت برای خدا و گام بر داشتن در مسیر خداست و این امور با ادای فرائض قلبی مانند دوستی برای خدا و در راه خدا، خوف از خدا، امید از خداوند و انابه و توکل بر خداوند حاصل می‌شود» (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۴۹) طبق این تفسیر انجام واجبات قلبی که عبارت از دوستی در راه خدا و برای خداوند و خوف از پروردگار و توکل و بازگشت به سوی خدا، وسیله تقرب به خداوند است.

چهار) ادای واجبات بدنی

یکی دیگر از مصادیق وسیله در آیه شریفه، «ادای واجبات بدنی» است. بعضی از مفسرین اهل سنت گفته است منظور از وسیله‌ای که سبب قرب به خداوند می‌شود انجام واجبات بدنی مانند پرداخت زکات، انجام دادن اعمال حج و واجبات مرکب از بدنی و قلبی مانند نماز و روزه و انواع قرائت مانند قرائت قرآن و دعا و ذکر و سایر عبادات است (آل سعدی، ۱۴۰۸:

۱/۲۴۹) البته تقسیم دقیق نیست چرا همه‌ای عبادات جنبه قلبی دارند و اخلاص و قصد قربت روح عبادات است که از امور قلبی است. در همان واجبات بدنی مانند زکات و حج نیز اخلاص و قصد قربت شرط است. شاید منظور از عبادت بدنی آن عباداتی است که جنبه بدنی و قلبی هر دو دارند و منظور از عبادات قلبی هم آن عباداتی است که جنبه قلبی آن بیشتر است مانند دوستی برای خدا و ترس و خوف از خدا است که امور قلبی است.

پنج) نصیح و خیرخواهی برای عباد

یکی دیگر از مصادیق، «وسيله» در کلمات مفسران اهل سنت «نصح و خیرخواهی برای بندگان خدا» است. برخی از مفسران گفته‌اند: «نصح برای بندگان خدا» وسیله تقرب به خدا است. بنا براین از مصادیق وسیله در این آیه شریفه می‌باشد (آل سعدی، ۱۴۰۸/۱/۲۴۹) طبق این دیدگاه یکی از مصادیق واژه «وسيله» در آیه شریفه، «نصح» و خیرخواهی برای عباد است.

شش) دعا و مناجات

یکی از مصادیق واژه «وسيله» در منابع اهل سنت، دعا و مناجات با خداوند است. برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است: هر عمل صالحی که شما را به خداوند نزدیک می‌کند، از جمله دعا و راز و نیاز با خدا، انجام دهید (غرناطی، ۱۴۱۶: ۱/۲۳۰) دعا و راز و نیاز با خداوند از مهم‌ترین برنامه عبادی در اسلام است و آثار و برکات فراوانی در زندگی انسان دارد. از جمله آثار دعا، تقرب و نزدیکی انسان به خداوند متعال است. برخی از مفسرین معتقدند که مراد از وسیله در این آیه دعا و مناجات با خداوند است.

هفت) تحصیل و کسب رضایت خداوند

یکی از مصادیق «وسيله» در آیه شریفه در منابع اهل سنت، به دست آوردن رضایت خداوند است. یکی مفسران اهل سنت در تفسیر آیه مبارکه می‌گوید: «تکالیف انسان، ترک گناهان و

انجام آن اموری است که به آن‌ها امر شده است و همین امور مورد اشاره در جمله: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵) است. مراد از طلب وسیله به سوی خداوند، تحصیل رضایت خداوند است که با عبادات و طاعات به دست می‌آید» (نووی جاوی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۷)، جلب رضایت خداوند، یکی از اهداف عبادت و مایه تقرب انسان بخ خداوند متعال است.

هشت) اولیای خدا

براساس دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت یکی از مصادیق «وسیله» اولیای خداست. بعضی علمای اهل سنت* برای اثبات جواز استغاثه و فریاد رسی و کمک خواستن از صالحین و قرار دادن آن‌ها به عنوان وسیله بین خدا و بین مردم، به این آیه استدلال کرده‌اند. این گروه گفته‌اند: استغاثه به مخلوق زنده و آن را واسطه قراردادن، به این معنا که حاجت خود را از او طلب نماید، بدون شک جایز است. این جواز مشروط به این نیست که «مستغیث به» آن کس که استغاثه می‌شود، افضل از استغاثه کننده (مستغیث) باشد. به دلیل این که پیامبر اکرم ﷺ در سفر عمره به عمر گفت: «لا تنسنا من دعائك»؛ ما را از دعا فراموش نکن و همچنین به عمر امر کرد که به او پس قرنی بگوید: برای او استغفار کند و این که به مردم دستور داد به پیامبر درود بفرستند و همچنین اصحاب پیامبر به وسیله عباس عموی پیامبر ﷺ طلب باران کردند. اما اگر مستغاث به مرده باشد، استغاثه او جایز نیست و این کار بدعت است. در ادامه می‌گوید: «أما التوسل بجاههم لما يعتقد فيهم من التقرب إلى الله وعند الله و من الله فلا بأس به، و كذلك زیارة قبورهم»؛ توسل به جایگاه و مقام صالحین که مرده‌اند، به این اعتقاد که آن‌ها در نزد پروردگار تقرب دارند، مانعی ندارد و زیارت قبر آن‌ها نیز جایز است»، (ملاحیوش آل غازی، همان: ۶/ ۳۲۶). بنابراین یکی از مصادیق وسیله در آیه شریفه از منظر مفسران اهل سنت اولیای خداوند است.

نه) صداقت

یکی از مصادیق وسیله از منظر مفسران اهل سنت، صداقت است. صداقت مفهوم وسیعی

است و مصادق متعددی دارد. صداقت در گفتار، صداقت در رفتار و صداقت در باور و اعتقاد از مصادیق صداقت می‌باشد. در ذیل آیه شریفه گفته شده است: «ابتغائِ وسیله استدامه صداقت در دوستی تا پایان زندگی است» (ایبازی، ۱۴۰۵: ۳۸۲/۹)، صداقت در عقیده، صداقت در گفتار و صداقت در سخن، همگی در سعادت انسان نقش اساسی تأثیر گذاری دارد. براساس این دیدگاه یکی از مصادیق «وسيله الى الله» صداقت است. صداقت سبب تقرب انسان به خداوند می‌گردد.

ج) مصادیق مشترک «وسيله» بین شیعه و اهل سنت

برخی از مصادیق واژه «وسيله» در منابع شیعه و اهل سنت مشترک است و در منابع تفسیری و روایی هر دو فرقه اسلامی به آن اشاره شده است.

یک) ایمان به خدا و پیامبر

در منابع تفسیری شیعه ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از مهم‌ترین مصادیق «وسيله الى الله» شمرده شده است. برخی از مفسرین شیعه در تفسیر آیه ۳۶ سوره مانده و در ذیل جمله «و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، (مانده: ۳۵) گفته است: «از مهم‌ترین وسائل، ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۶۸۷/۳) بعضی از مفسرین ایمان و معرفت خداوند را سبب تقرب به خداوند و از مصادیق وسیله در آیه شریفه شمرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱/۱۱۳). براساس این دیدگاه ایمان و باور به خداوند متعال و نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مصادیق «وسيله الى الله» و باعث تقرب به خداوند می‌شود. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ»، (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۶۳)؛ بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر اوست. بنابراین نخستین وسیله تقرب و نزدیکی به خداوند متعال، ایمان به خداوند و پیامبر اوست.

در برخی منابع تفسیری اهل سنت نیز آمده است که منظور از وسیله در آیه ایمان است.

چنان که سیوطی در درالمنثور می‌گوید: «قال الوسيلة في الايمان» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۸۰)؛ البته ایشان ایمان را مطلق ذکر کرده است و توضیح نداده است که ایمان به چه چیزی، وسیله تقرب به سوی خدا است. بدون شک ایمان به خدا و پیامبر ﷺ مورد نظرشان است.

دو) اطاعت از فرمان خداوند

یکی از مصادیق وسیله از نظر مفسران شیعه، اعمال نیک و سازنده است. طبرسی به نقل از مجاهد، می‌گوید: «منظور از وسیله طاعات الهی است. مقصود این است که کاری کنید که سبب خوشنودی خداوند شود و شما را به حضرت حق نزدیک کند» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷/ ۲۳) در تفسیر جوامع الجامع آمده است: «وسيلة، هر چیزی که بدان به خدا تقرب جسته شود از قبیل عبادات و ترک زشتی‌ها» (مترجمان، ۱۳۷۷: ۲/ ۷۰) مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: «حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خدا است؛ به این معنا که به احکام الهی علم پیدا کنی، سپس به بندگی او پردازی به مستحبات شریعت عمل نمایی» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/ ۵۳۵) برخی مفسرین در تفسیر جمله: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)، گفته است: «اطلبوا إليه القربة بالطاعات» (بغدادی، بی‌تا: ۱۱۳)؛ تقرب به خداوند بوسیله طاعت الهی طلب نمایند. برخی گفته‌اند منظور از وسیله: انجام کارهای نیک و شایسته است» (حسینی، ۱۴۲۴: ۱/ ۶۳۶) در بیان دیگری در تفسیر آیه شریفه آمده است: «معنای جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵)؛ این است که هر چیزی که شما را به رحمت و رضایت خداوند نزدیک می‌کند، طلب نمایید و همین عمل شفیع شما در پیشگاه خداوند است. زیرا تقوا به تنهایی، همان خوف از خداوند است. پس علاوه بر خوف از خداوند باید به طاعت الهی نیز عمل شود؛ زیرا مقرب واقعی انسان به خدا عمل است و همان عمل وسیله تقرب به خداوند است»، (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲/ ۲۵۹) در بیان دیگری آمده است که مراد از وسیله در آیه شریفه، انجام کارهای خیر است (حسینی، ۱۴۲۴: ۱/ ۶۳۶) در تعبیری دیگری که از برخی مفسرین شیعه نقل شده منظور از وسیله، ملاحظه‌ی اوامر و نواهی الهی است به عبارت دیگر انجام طاعات و ترک معاصی

و گناهان است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷۶/۳) براساس این تفسیر منظور از وسیله اعمال صالح و کارهای نیک و شایسته است که هم شامل واجبات می‌شود و هم بر اعمال مستحب صدق می‌کند.

در منابع اهل سنت، نیز طاعت الهی و انجام عمل صالح، یکی از مصادیق «وسيله» شمرده شده است. این دیدگاه از سوی تعدادی از مفسرین آنان مطرح شده است: «ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵) گفته شده: «مراد از وسیله آن طاعتی است که شما را به خداوند نزدیک می‌کند»، (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/۱۱۶) در بیان دیگری در تفسیر جمله «ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است: «انجام طاعات الهی و عمل کردن به آن چه موجب رضایت خداوند می‌شود»، (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/۳۲۵) در بیان دیگری گفته شده است: معنای جمله: «ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، این است: به واسطه اعمال صالح به خداوند تقرب جوید»، (سمرقندی، بی‌تا: ۱/۲۸۷)، و (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲/۳۷) در یکی از تعبیر مفسران اهل سنت چنین آمده است: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، بفعل المأمورات» (نووی جوی، ۱۴۱۷: ۱/۲۶۷) با انجام آن چه خداوند به آن امر کرده است، به خداوند تقرب بجوید. برخی دیگر از مفسران در ذیل جمله «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، (مانده: ۳۵) گفته است: «از طریق مداومت بر انجام طاعات الهی و توشه برداشتن از اعمال صالح، به خداوند تقرب بجوید»، (طنطاوی، بی‌تا: ۴/۱۳۹) در بیان دیگری گفته شده است: «وسيله آن چیزی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند مانند عمل به اوامر الهی، که باعث تقرب انسان به خداوند می‌گردد»، (ابن عاشور، بی‌تا: ۵/۹۷) و (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/۲۹۴) برخی از مفسرین گفته‌اند: «وسيله، عبارت است از فعل مأمورات» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۲/۵۸۶)؛ طبق این تفسیر وسیله انجام آن چیزهایی است که مورد امر مولی قرار گرفته است و خدای متعال به آن‌ها امر کرده است. براساس دیدگاه این دسته از مفسران شیعه و اهل سنت یکی از مصادیق واژه «وسيله» اعمال صالح و اطاعت از دستورات خداوند متعال است

سه) ترک گناهان و معاصی

یکی از اموری که از مصایق وسیله است، «ترک گناهان» است. در تفسیر آیه شریفه و در بیان مصادیق واژه «وسیله» گفته شده است: «وسیله بر وزن، «فعیله» به معنای آن چیزی است که انسان به واسطه‌ی آن به خدا نزدیک می‌شود و آدمی را به خدا می‌رساند. آن امور عبارت است از ترک گناهان و انجام طاعات الهی از روی میل و رغبت و علاقه و عشق به خدا»، (سبزواری، ۱۴۰۹: ۲۱۴/۱) همچنین در برخی تفاسیر دیگر نیز ترک گناهان یکی از مصادیق «وسیله» شمرده شده است (عاملی، ۱۳۶۰: ۲۱۷/۳) و (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/۲۵۴) در تفسیر اثنا عشری نیز به همین دیدگاه اشاره شده است (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۷۶/۳) بنابر این در منابع شیعه یکی از مصادیق وسیله در آیه شریفه دوری و ترک گناهان است و معنای آیه این است که از نافرمانی خداوند دوری نمایید تا به خداوند قرب و نزدیک شوید..

از نظر اهل سنت نیز، «ترک گناهان م معاصی، از مصایق وسیله است. برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر جمله «ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (مانده: ۳۵)»، گفته است که معنای این جمله این است که به وسیله ترک معاصی به خداوند نزدیک شوید» (درویش، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۷)، (البیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/۲) در برخی تفاسیر، آمده است که با «ترک مخالفت با فرمان الهی، رضایت خداوند را جلب نمایید»، (ابن عجبیه، بی‌تا: ۳۷/۲) برخی دیگر از مفسران اهل سنت در ذیل آیه شریفه گفته‌اند: «با اجتناب از معاصی و ترک منکرات به خداوند تقرب بجوید»، (زحلی، ۱۴۲۲: ۱۳۹/۴) همچنین درکشاف زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۲۸) در بیان دیگری آمده است: «وسیله آن چیزی است که انسان را به خدا نزدیک می‌کند مانند عمل به نواهی الهی و اجتناب از گناهان»، (ابن عاشور، بی‌تا: ۵۹/۵) و (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۲۹۴)، بر اساس این دیدگاه اجتناب از گناهان یکی از مصادیق وسیله است و باعث تقرب انسان به خدا می‌گردد. این مصداق بین شیعه و سنی مشترک است.

چهار) ثواب و اجر معنوی

برخی از مفسرین وسیله را به ثواب و اجر معنوی تفسیر کرده‌اند. فیض کاشانی در تفسیر جمله: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است: «ما تتوسّلون به إلى ثوابه و الزّلفی منه» (آصفی، بی تا: ۱/۲۷۳)؛ همچنین مفسری دیگری در تفسیر جمله «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ (مانده: ۳۵) می‌گوید: «اطلبوا ما تصلون به إلى ثوابه»؛ آن چه که شما را به ثواب می‌رساند، طلب نمایید (حسینی، ۱/۱۴۲۵/۱۲۵)؛ معنای آیه شریفه این است که آن چه که شما را به ثواب و اجر معنوی می‌رساند، طلب نمایید. در منابع اهل سنت نیز ثواب و پاداش معنوی به عنوان یکی از مصادیق واژه «وسيله» شمرده شده است. برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه شریفه، «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است: «آن چه که شما را به ثواب الهی نزدیک می‌کند، طلب نمایید. که عبارت از انجام طاعات الهی و خیرات می‌باشد»، (ایباری، ۱۴۰۵: ۹/۳۸۲). بنابراین ثواب و اجر معنوی در قبال اهل اعمال صالح به عنوان یکی از مصادیق مشترک بین مفسران شیعه و اهل سنت مطرح شده است.

پنج) جهاد در راه خدا

یکی از مصادیق «وسيله الى الله» جهاد است. برخی از مفسرین شیعه در تفسیر جمله، «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، ضمن بر شمردن مهم‌ترین مصادیق وسیله، گفته‌اند: یکی از آن مصادیق جهاد در راه خدا است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳/۶۷۸). طبرسی در مجمع البیان نیز گفته است: «جهاد در راه دین نیز وسیله‌ای است، برای درک ثواب و راهی است به سوی اطاعت خداوند» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷/۲۷۶) جهاد در راه خدا گاه به دست است، گاه به زبان و گاه به قلب و گاهی هم به واسطه کتابت و نوشتن است (طوسی، بی تا: ۳/۵۱۱) همه‌ی مصادیق جهاد در راه خدا از مصادیق وسیله الى الله محسوب می‌شود.

از نظر مفسران اهل سنت نیز جهاد یکی از مصادیق وسیله است: (درویش، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۷) به دلیل اهمیت جهاد از میان اعمال صالح تنها از جهاد در آیه نام برده شده است: «جَاهِدُوا

فِي سَبِيلِهِ» (مانده: ۳۵)، معنای آیه این است که در راه عبودیت خداوند و اخلاص در معرفت خداوند و در مسیر خدمت و رسیدن به رضایت پروردگار تلاش و کوشش نمایید» (نووی جوی، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۷) در منبعی دیگری چنین آمده است: «خدای تبارک و تعالی از میان عبادتی که مقرب انسان به خداست، تنها به جهاد در راه خدا را ذکر کرده است. زیرا جهاد از اجل طاعات و با فضیلت‌ترین عبادتی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند. جهاد عبارت است از بذل تلاش در جنگ با کفار به وسیله جان، مال، فکر، زبان و سعی در یاری کردن دین خدا، به وسیله‌ای که برای بنده مقدور است (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۴۹) بنابراین طبق این دیدگاه منظور از وسیله در آیه شریفه جهاد در راه خدا است. برخی از مفسرین اهل سنت در تفسیر آیه شریفه گفته است: «منظور از وسیله جهاد با دشمنان ظاهری و باطنی است» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/ ۱۲۵)، طبق این تفسیر منظور جهاد اکبر و اصغر هر دو از مصادیق وسیله می‌باشد.

شش) انفاق و صدقه در راه خدا

یکی دیگر از مصادیق مشترک «وسیله» بین شیعه و اهل سنت، انفاق در راه خدا است. در منابع شیعه تعبیر به انفاق در راه خدا و در منابع اهل سنت تعبیر به صدقه شده است. که باز گشت هردو به کمک مالی به نیاز مندان است. در برخی از تفاسیر شیعه در ذیل آیه شریفه، «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، ضمن اشاره به مهم‌ترین مصادیق «وسیله الی الله»، آمده است: «انفاق در راه خدا چه به صورت پنهانی و چه به صورت علنی، یکی از مصادیق، وسیله به سوی خدا است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳/ ۶۸۷) در منابع تفسیری از انفاق در راه خدا به عنوان یکی از مصادیق وسیله نامبرده شده است. البته انفاق می‌تواند، جنبه غیر مالی هم داشته باشد ولی بدون شک مساعدت مالی از مصادیق بارز انفاق می‌باشد.

در منابع اهل سنت، صدقه دادن نیز به عنوان یکی از مصادیق «وسیله» شمرده شده است. برخی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه شریفه گفته‌اند: «والتصدق على الأراامل و الفقراء» (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/ ۳۲۷)؛ صدق دادن به بیوه زنان و فقرا از مصادیق وسیله است.

بنا براین در منابع شیعه و اهل سنت، اتفاق در راه خدا و صدقه دادن به فقرا و نیازمندان یتیمان و بیوه زنان از مصادیق، «وسيله» تقرب به خداوند است.

هفت) صله رحم و پیوند با خویشاوندان

یکی دیگر از مصادیق مشترک وسیله بین شیعه و اهل سنت، «صله رحم» است. صله رحم به معنای پیوند و ارتباط نیک با بستگان یکی از آموزه‌های مهم دینی است. در برخی از منابع تفسیری شیعه، در ذیل جمله «صدقه دادن نیز به عنوان یکی از مصادیق «وسيله» «و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، آمده است که یکی از مصادیق وسیله که باعث تقرب انسان به خداوند متعال می‌شود، «صلة الرحم» است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳/۶۸۷). پس صله رحم در منابع شیعه از مصادیق وسیله شمرده شده است.

برخی از مفسران اهل سنت، نیز معتقدند که، یکی از مصادیق وسیله، صله رحم است. در تفسیر آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است که معنای آیه این که انجام اعمال صالح به خدا نزدیک شوید که یکی از آن‌ها، «صله رحم» و پیوند با خویشاوندان است»، (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/۳۲۵)، صله رحم و پیوند با خویشاوندان از منظر قرآن و روایات از اهمیت فراوانی برخوردار است. آن چه در این جا مورد نظر است این است برخی مفسرین «صله رحم» را از مصادیق وسیله در این آیه شریفه و از اسباب تقرب به خداوند متعال شمرده‌اند.

هشت) محبت و احسان به بندگان خدا

یکی از مصادیق «وسيله»، در منابع شیعه محبت و دوستن داشتن مردم است. برخی از مفسران شیعه در ذیل آیه شریفه «و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است: «با فضیلت‌ترین چیزی که مردم به آن متوسل می‌شوند و آن را وسیله تقرب به سوی خدا قرار می‌دهند، «محبت مردم و کار کردن به به نفع آنان» است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/۵۳). بنابراین کسی که مردم را دوست دارد و به نفع آنان عمل می‌کند، در واقع بهترین وسیله تقرب به خدا را بر گزیده‌اند. یک

شخص بزرگی گفته است: «کسی که مردم را دوست ندارد، محال است، حقیقت مردم را بشناسد. بزرگ دیگری اضافه کرده است: «کسی که مردم دوست ندارد، نمی‌تواند خدا را دوست داشته باشد. لازمه دوستی خدا، دوست داشتن مردم است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/ ۵۳). براساس این دیدگاه محبت و علاقه به مردم و فعالیت و کار برای مردم، موجب تقرب انسان به خداوند متعال می‌گردد

از منظر مفسران اهل سنت، «احسان و نیکی» به دیگران، از مصادیق «وسیله» است. در لسان مفسران اهل سنت، تعبیر به «احسان به خلق» شده است. مراد از احسان اعم از کمک به وسیله مال و مساعدت توسط علم و نیکی نمودن به واسطه جا و موقعیت و یا کمک به وسیله بدن همه‌ای این‌ها از مصادیق احسان به خلق شمرده می‌شود و از مصادیق «وسیله» محسوب می‌گردد (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۴۹) بدون شک احسان و نیکی به خلق خدا، از کارهای بسیار با ارزش در نزد خداوند است و باعث تقرب انسان به خداوند می‌گردد. از این رو برخی مفسرین معتقدند که یکی از مصادیق وسیله در آیه شریفه، احسان به و نیکی به مخلوقات خداوند به‌ویژه انسان‌ها است. محبت نسبت به مردم و دوست داشتن آنان، زمینه و عامل نیکی به آنان است. بنا براین بین دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت می‌توان جمع کرد و هر دو به یک چیز بر می‌گردد.

نه) اخلاص در عمل

یکی از مصادیق «وسیله» در آیه شریفه اخلاص در عمل است. برخی از مفسران شیعه در تفسیر آیه شریفه: «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است معنای آیه این است: «و توسلوا إلیه بالإخلاص و العمل الصالح»، برای تقرب به خداوند به اخلاص و عمل صالح متوسل شوید» (مغنیه، بی‌تا، ۱/ ۱۴۳) بنابراین در منابع تفسیری شیعه یکی از منابع «وسیله» اخلاص در عمل است.

در منابع اهل سنت نیز اخلاص در عمل از مصادیق «وسیله» شمرده شده است. برخی از

مفسرین اهل سنت، در ذیل جمله «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته شده است: «ابتغاء وسیله تجرید اعمال از ریا و تجرید احوال از اعجاب و خالص کردن نفس از حظوظ است» (ایبازی، ۱۴۰۵: ۳۸۲/۹) در تعبیر دیگری آمده است: «وسيله خالص نمودن عقیده از شک است» (ایبازی، ۱۴۰۵: ۳۸۲/۹). براساس این دو تا تعبیر وسیله در این آیه به معنای اخلاص در عمل و عقیده است. هم در مقام عمل باید انسان نیت خالص باشد و از ریا و خودنمایی و از عجب و خود شیفتگی پاک باشد و هم در از اعتقاد دچار شک و تردید نباشد و باور خالص داشته باشد.

ده) درجه‌ی از جات بهشت

براساس روایات و دیدگاه برخی از مفسران شیعه منظور از «وسيله»، در آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، یکی از درجات بهشت است در ذیل آیه می‌گوید: «عطا می‌گوید: وسیله عالی‌ترین درجات بهشت است.» (طبرسی، همان: ۲۷۳/۷) برخی دیگر از مفسران در تفسیر جمله «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، گفته است معنای جمله این است که «ابْتَغُوا أَيْ اطْلُبُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵). الوسيلة درجه‌ی هی افضل درجات»، (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۲/۱)، برای تقرب خداوند وسیله طلب نمایید و وسیله به معنای با فضیلت‌ترین درجه بهشت است.

در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که فرمود: «برای من از خداوند «وسيله» را مسألت کنید که درجه‌ای است در بهشت که تنها یکی از بندگان خدا به آن جا می‌رسد و من امیدوارم که همان بنده من باشم. برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که وسیله به معنای محبت است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده: ۳۵)، به معنای «تَحَبُّوا إِلَى اللَّهِ»، است. معنای آیه این است که ای مؤمنان کاری کنید که محبوب خدا شوید و به وی نزدیکی جوید (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۴/۳۰۴) براساس این دیدگاه وسیله به معنای محبت است و معنای آیه این است سعی کنید در نزد خداوند محبوب شوید.

برخی از مفسران اهل سنت نیز با استناد به روایات گفته‌اند: «وسیله» یکی از درجات بهشت است. طبق این دیدگاه معنای آیه این است که درجه خاصی از بهشت را که وسیله است، (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/۳۲۵) از خداوند طلب نمایید. برخی از مفسران اهل سنت گفته‌اند: «وسیله درجه‌ی در بهشت است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۶/۱۷۱) مفسردیگری گفته است: «وسیله، چیزی است که انسان را به مقصود می‌رساند و بر بالاترین منزلت و جایگاه در بهشت نیز اطلاق می‌گردد» (حجازی، ۱۴۱۳: ۱/۵۰۹) در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است که وسیله یکی از درجات بهشت است. چنان که نقل شده: «سلوا الله لی الوسيلة فإنها درجة فی الجنة لا ینالها إلا عبد واحد و أرجو أن أكون أناهو» (ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ۶/۳۲۵)؛ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث می‌کنند که فرموده از خدا برای من وسیله بخواهید و آن درجه‌ی است در بهشت که باو نمی‌رسد مگر یک عبد و امیدوارم که من آن عبد باشم. در حدیث دیگری از رسول خدا آمده است: «وسیله با فضیلت‌ترین درجات بهشت است»، (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۳: ۴/۵۹)، طبق این دیدگاه وسیله به معنای یکی از درجات بهشت است. در این صورت معنای آیه این است که یکی از درجات بهشت را طلب نمایید.

نتیجه

از بررسی‌هایی که انجام گرفت، این نتیجه به دست می‌آید که مفسران شیعه و اهل سنت در برخی مصادیق «وسیله»، دیدگاه مشترک و در برخی مصادیق نظر متفاوتی دارند. اول) مرور اجمالی تفاسیر سنت به دست می‌آید که برخی از مصادیق وسیله، اختصاص به اهل سنت دارد و در منابع تفسیری شیعه ذکر نشده است. در منابع تفسیری اهل سنت از امر به معروف و نهی از منکر، ادای واجبات قلبی و واجبات بدنی، برآوردن حاجت نیازمندان، نصیح و خیرخواهی برای عباد، تحصیل و کسب رضایت خداوند، دعا و مناجات با خداوند، اخلاص در نیت و صداقت و در نهایت اولیای خدا، از مصادیق واژه «وسیله» است که در منابع تفسیری شیعه با این عناوین نیامده و مخصوص منابع اهل سنت است.

دوم) از بررسی منابع تفسیری شیعه که مورد تأیید روایات نیز می‌باشد، به دست می‌آید که از مهم‌ترین مصادیق واژه «وسيله» پیامبر اکرم ﷺ، علی بن ابی طالب ؑ، امام معصوم ؑ، شناخت امام و تبعیت از او، اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ و قرآن کریم می‌باشد. همچنین عبادات دینی مانند نماز، روزه، حج و ...، مکارم اخلاق، اعتقادات و باورهای حق، عبودیت و بندگی خدا، پذیرش هدایت الهی و حرکت در مسیر آن و قدر جامع بین همه این معانی از مصادیق واژه «وسيله» است. این مصادیق اختصاص به منابع شیعه دارد و در منابع اهل سنت بیان نشده است.

سوم) از بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت به دست می‌آید که مصادیق مشترکی برای واژه «وسيله» در منابع تفسیر فریقین وجود دارد. با بررسی اجمالی که در منابع تفسیری شیعه و سنی صورت گرفت، مشخص گردید که ایمان به خدا و پیامبر، اطاعت از دستورات و اوامر پروردگار، ترک گناه و معاصی، ثواب و اجر معنوی، جهاد در راه خدا، اتفاق و صدقه در راه خدا، صلّه رحم و پیوند با خویشاوندان نسبی، محبت و احسان به بندگان خدا و در نهایت درجه‌ای از درجات بهشت، از مصادیقی است که در تفاسیر شیعه و اهل سنت برای واژه «وسيله» بیان شده است. تمام از اموری که در این تحقیق وسیله بیان شده است، از مصادیق وسیله است و مفهوم وسیله، یک معنای کلی است که همه این امور و برخی اموری که در این تحقیق نیامده است را شامل می‌شود.

شاید بتوان بخش زیادی از این مصادیق را به هم ادغام کرد و تحت عناوین عامی قرار داد. ولی برخی مصادیق در منابع شیعه و اهل سنت قابل جمع بین دیدگاه فریقین نیست. مهم‌ترین مصادیقی که نقطه افتراق بین دیدگاه شیعه و سنی است پیامبر اکرم ﷺ، امام علی، امامان معصوم، شناخت امام و تبعیت از او و اهل بیت پیامبر که در منابع تفسیری شیعه از مصادیق «وسيله» هستند ولی در منابع اهل سنت نیامده است. تنها اولیای خدا که در منابع اهل سنت آمده است ممکن است اهل بیت را در برگیرد.

کتابنامه

القرآن الکریم.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بی جا، بی تا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ایبیری، ابرهیم، *الموسوعه القرآنیه*، بی جا، ۱۴۰۵.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، *مخزن العرفان*، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
- آل سعدی، عبدالرحمن، *تیسیر الکریم الرحمن*، بیروت، مکتبه النهضه العربیه، ۱۴۰۸ق.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- برحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات بعثت، ۱۴۰۶ق.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۶۶.
- بغدادی، محمد، *تفسیر المعین للواعظین و المتعظین*، بی جا، بی تا.
- بیضاوی، عبد الله، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ثعلبی نیشابوری، احمد، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل الجدید، ۱۴۱۳ق.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین، *تأویل آیات الظاهره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین، *تبیین القرآن*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۲ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن محمد، *تفسیر اثنا عشر*، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
- حسینی، سید محمد، *تقریب القرآن الی الاذهان*، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
- خانی، رضا و همرا، *ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
- درویش محیی الدین، اعراب القرآن و بیانه، دمشق، دار الارشاد، ۱۴۱۵ق.
- دیلمی، حسن، *ارشاد القلوب*، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، بی جا، ۱۴۱۲ق.
زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة، بیروت، دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفى، تفسير الوسيط، دمشق، دار الفكر، ۱۴۲۲ق.
زمخشري محمود، الكشف عن حقایق غوامض التنزيل، بیروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
سبزواری نجفی، محمد، الجديد في تفسير القرآن، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
سمرقندی، نصرین محمد، بحر العلوم، بی جا و بی تا.

سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
سیوطی، جلال الدین، تفسير الجلالين، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغة، - قم، ۱۴۱۴ق.
صاحب بن عباد، إسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱ق.
صادقی تهرانی، محمد، البلاغ في التفسير القرآن، قم، مؤلف، ۱۴۱۹ق.
طباطبایی، محمدحسین، تفسير الميزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن محمد، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
طنطاوی، سید محمد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، بی جا، بی تا.
طوسی، محمد بن حسن، التبيان في التفسير القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
طیب، سید عبد الحسین، أطيّب البیان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
عاملی، ابراهیم، تفسير عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
عروسی حویزی، عبد علی جمعه، تفسير نور الثقلين، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
عسکری، حسن بن عبد الله، الفروق في اللغة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحيفة السجادية، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
غرناطی، محمد، کتاب التسهيل للعلوم التنزيل، بیروت، شرکت دار الارقم، ۱۴۰۱ق.

- فیض کاشانی، ملا محسن، **أصفی التفسیر**، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، **تفسیر الصافی**، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
- فیومی، أحمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم، ۱۴۱۴ق.
- قاسمی، محمد جمال الدین، **محاسن التأویل**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- قزائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
- قمی علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- قمی مشهدی، محمد بن رضا، **کنز الدقائق**، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- کاشانی، محمد بن مرتضی، **تفسیر المعین**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
- کاشانی، ملافتح الله، **زبدة التفاسیر**، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- کاشفی سبزواری، حسین، **جواهر التفسیر**، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، بی‌تا.
- لاهیجی محمد بن علی، **تفسیر لاهیجی**، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، **بیان المعانی**، دمشق، مطبعه الترقی، ۱۳۸۲.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، **مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه اهل بیت، ۱۴۰۹ق.
- نظام الدین نیشابوری، حسن، **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- نوی جاوی، محمد بن عمر، **مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱ق.